

تلاش و نداشتن در جشنواره فجر



هر سال آینه‌ای به بزرگنمایی حس مردم روبروی هنرمندان و فیلمسازان سرزمینمان قرار می‌گیرد تا در آن ببینند که در قیاس با فیلمسازان سرزمین خود و در مقام رقابت با سینمای بین‌الملل چه کرده‌اند.

اگر هر تلاشی قرار بود صرفاً در محدوده به تجسم رسیدن ایده باقی بماند، تکامل معنا پیدا نمی‌کرد و نیازی برای ارتباط از راه عرضه آن بیان وجود نداشت. شوق شکل نمی‌گرفت و اعتلا روی نمی‌داد. همه انگیزه‌ها برای بیشتر از دیروز بودن است و ثمره این تلاش است که به مرز قضاوت می‌رسد، ستوده و نکوهیده می‌شود و ارزش مطرح کردن را پیدا می‌کند.

هنر راه بیان است برای آنانی که به مرزهای لطیف حس و اندیشه دست پیدا می‌کنند و با آن ارتباطی ناگسسته برقرار می‌سازند. از راه هنر نیایشها و فریادها به دل می‌نشینند و انگیزه‌هایی منطقی برای هموار کردن حل مصایب زندگی به دست می‌آید. سینماگر هنرمند با خلق دست یافته اندیشه‌اش در قالب صدا و تصویر، کاری دقیق پرزحمت و طولانی را به انجام می‌رساند که تنها شوق و پشتکار است که در تاریکی و تنهایی کار، چراغ راهش می‌شود. او پس از تلاشی طاقت‌فرسا حاصل کار گروهی خویش را ارائه می‌کند و هیچ انتظاری جذابتر از این نیست که ببیند آیا دیگران ردپای نگاه و تلاش او را در فیلم یافته‌اند یا نه؟ این انتظار از این جهت برای یک هنرمند صادق باارزش است که به نقاط ضعف و قوت خود در فیلم پی می‌برد و بر بار تجربه‌اش می‌افزاید.

با این انگیزه‌ها، برگزاری جشنواره‌های مختلف رسمی کهن و جهانی برای برخورد منسجم با آثار فیلمسازی است که صادقانه حضور خود را به ثبت می‌رسانند و شاهد برخوردهای آگاهانه، ناآگاهانه، هنری و عامی بینندگان اثر خود می‌شوند.

روی دیگر قضیه، تب و تاب تماشاگرانی است که با شرکت در جشنواره‌ها در این بازی شیرین هنری وارد می‌شوند تا شنوای پیام هنرمندان سرزمینشان باشند. این مخاطبین هستند که با استقبال از جشنواره‌ها، گرمی کار برای سال آینده را فراهم می‌کنند. به هر حال همه افراد اجتماع در هر سطحی از فرهنگ و گروه اجتماعی که باشند دوست

دارند حتی اگر فقط در حد دیدن یک فیلم هم که باشد در جشنواره حضور داشته باشند.

فقط در صورتی می‌توان از تأثیر برگزاری جشنواره‌ها اطمینان داشت که فیلمها تکرار گفته‌های دیگران نباشد و حاوی تغییر و تحولی نسبت به گذشته باشد. این خصوصیت، جشنواره را به مفهوم اصلی خود یعنی «فرم ویژه نمایشی» نزدیک می‌کند. جشنواره فجر به خصوص در سالهای اخیر یکی از گرمترین محافل سینمایی کشورمان است که با مروری فشرده و برنامه‌ریزی شده، ماحصل کار یک سال سینماگران سرزمینمان را به نمایش می‌گذارد و به معرفی هنرمندانی می‌پردازد که شاید تا قبل از برگزاری جشنواره ناشناخته بودند.

نمایشگاهی که مملو از بحثهای پرحرارت سینمایی، میزبان قدیمی آثار فیلمسازان خارجی و وعده‌گاه سالهای تجربه است.

در میان موضوعات مختلف مطرح شده در فیلمهای جشنواره، نقطه پرنگی از جامعه وجود دارد که منعکس‌کننده طیف وسیعی از مسائل مردم است و آن جایگاه زنان چه به عنوان فعالیت در قسمت تولید و چه به عنوان محتوای فیلمها در جشنواره فجر است.

با نگاهی به همت بانوان هنرمند جامعه در زمینه فیلمسازی، به تحلیل این بخش از فعالیت فیلمسازی می‌پردازیم. آیا می‌توان توانایی زنان سینماگر را در حد نام پنج تن از آنان در مقام کارگردانی خلاصه کرد؟

اینکه هویت زنان در محتوای فیلمهای ساخته شده چگونه مطرح شده است و درخشش و همکاری زنان در تهیه آثار سینما چقدر جدی بوده، مطالب مهم این بررسی است.

سینما کاری است گروهی، که با آهنگ کارگردان هماهنگ می‌شود و با تلاش افراد آن گروه به ثمر می‌نشیند. جامعه تا حدودی با شیوه فعالیت افراد گروه فیلمسازی آشناست اما این که چقدر نقش زنان در این قسمتها معرفی شده است مبهم است. ذوق و سلیقه اشخاص، بخشی از گرایش آنان به انتخاب حرفه مناسب را تعیین می‌کند. آیا در حرفه فیلمسازی هم می‌تواند چنین باشد؟ زنان که در زمینه‌های فنی سینما هم از تواناییهای خوبی برخوردارند به دلیل جدی قرار

نگرفتن، هم خود در اعتلای خود نکوشیدند و هم جامعه برخوردار شدی تشویقی با این گروه از هنرمندان نداشته است.

بعد از ۱۰ سال برگزاری جشنواره، ما فقط می‌توانیم از پنج کارگردان فعال زن ایرانی نام ببریم. مطمئناً استعدادها و شوقهای بالقوه‌ای هست که هنوز فرصت شکوفایی پیدا نکرده است. جشنواره می‌تواند با برجسته‌کردن این تلاشها به شکوفایی این نیروها کمک کند. بانگاهی به جدول حضور زنان در جشنواره که به سطح مطرح شدن رسیدند می‌توان به این کمکاری بانوان در این رشته از هنر اندیشید.

● جشنواره سوم، سال ۱۳۶۳

بهترین بازیگر نقش اول زن:
پروانه معصومی (گلهای داودی)
بهترین بازیگر نقش دوم زن:
جیران شریفی (مترسک)

● جشنواره چهارم، سال ۱۳۶۴

بهترین بازیگر نقش دوم زن:
مهری مهرینا (توره دیو)

● جشنواره ششم، سال ۱۳۶۶

بهترین بازیگر نقش اول زن:
پروانه معصومی (شکوه زندگی - جهیزیه برای رباب)
بهترین بازیگر نقش دوم زن:
آنیک شفرایان (سرزمین آرزوها)
فیلمهای کوتاه
جایزه جشنواره:
سودابه آگاه، نفیسه ریاحی (از طهران - تا تهران)

● جشنواره هفتم، سال ۱۳۶۷

بهترین تدوینگر:
ژیلا ایکچی (نارونی)
بهترین بازیگر نقش اول زن:
رویا نونهالی (عروسی خوبان)
بهترین بازیگر نقش دوم زن:
فاطمه معتمدآریا (برهوت)
دیپلم افتخار:
فریمه فرجامی (سرب)

● جشنواره هشتم، سال ۱۳۶۸

بهترین بازیگر نقش اول زن:

طرح روح تاریخی و راسخ چهره زن همچنان باقی ماند.

در بخش فنی فیلم، تنها در جشنواره هفتم، سال ۱۳۶۷ بود که زبردستی و توانایی زن در مقام تدوینگر در فیلم «نارونی» خود را نشان داد و این بخش از فیلمسازی را که نیاز به دقت و ظرافت دارد مطرح کرد. تدوین، بخشی از مراحل تولید فیلم است که حوصله، تمرکز، علم و دقت خاصی می‌طلبد و زنان تسلط خود را در این قسمت نشان داده‌اند. اما راهی برای رسیدن در عرصه قضاوت در جشنواره نیافته‌اند. تلاش زنان هنرمند ما در جشنواره هشتم، در مقام کارگردانی با موفقیت فیلم «بچه‌های طلاق» به کارگردانی خانم تهمنه میلانی روبرو شد که این فیلم حاصل زحمات طولانی و تحقیقی مستند از این موضوع بود.

بخش عظیم و محکمی از سینمای ایران که به انعکاس زوایای شخصیت زن پرداخته است بعضی کارهای سینمایی بهرام بیضایی است. ما چهره زن را در آثار او ملموس، شکوهمند و افسانه‌ای می‌بینیم، هویت زن در آثار او آشناست اما خاص یک گروه، یک طبقه و یک قشر خاص اجتماعی نیست و عاطفه، هوش، صبر و مقاومت با هم آمیخته شده است. چهره‌آشنایی که خاطره‌های گذشته تاریخ را تداعی کند: تصویری از همه زنان در قالب یک زن. در آثار او حرمت تماشاگر زن هم در نظر گرفته شده و در بافت داستانهای او، زنان در زنجیرهای از درد و شادی با یکدیگر پیوند می‌خورند. هر زنی گوشه‌ای از دردهای خود را در زندگی زن دیگر می‌بیند و با او همدلی پیدا می‌کند. حس مادری، دلبستگی، مدیریت و حضور در همه عرصه‌های زندگی، از ویژگیهای آثار اوست.

با نگاهی به فهرست اسامی فیلمهای شرکت‌کننده در یازدهمین جشنواره فجر، انعکاس شوق هنرمندان حس می‌شود اما سنگینی حضور کم زنان در جشنواره، واقعیت تلخی را نشان می‌دهد و امیدی شیرین از اینکه هر سال پله‌های رسیدن به مرحله حضور بیشتر زنان طی شود و عطش نیمی از جمعیت جامعه برای ارتباط برقرار کردن با هنر سینما سیراب شود.

رقیه چهره‌آزاد (مادر)

بهترین بازیگر نقش دوم زن:

افسر اسدی (عبور از غبار)

بهترین کارگردان:

تهمنه میلانی (بچه‌های طلاق)

● جشنواره نهم، سال ۱۳۶۹

بهترین بازیگر نقش اول زن:

فریمه فرجامی (پرده آخر)

بهترین بازیگر نقش دوم زن:

نیکو خردمند (پرده آخر)

● جشنواره دهم، سال ۱۳۷۰

دیپلم افتخار:

به فیلمنامه «اویار» اثر انسیه شاه‌حسینی و

شهرام اسدی

سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم زن:

فاطمه معتمد آریا (مسافران)

سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن:

جمیله شیخی (مسافران)

سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی:

رخشان بنی‌اعتماد (نرگس)

ما در جشنواره اول در معرفی هیئت داوران، متأسفانه با نام هیچ زنی که در سطح معرفی آمده باشد برخورد نداشتیم و این امر تا جشنواره چهارم ادامه داشت. البته در آن سالها تنها «بازیگری» برای حضور زنان در سینما وجود داشت که آن هم در بیشتر کارها فاقد جنبه‌های هنری و بیشتر در حد کلیشه‌های رایج بازیگری با فرمی جدید بود و باز با چهره غیرواقعی زن روبرو بودیم. نقش زنان در آن فیلمها یا به دنبال زندگی از دست رفته در گذشته طراحی می‌شد و یا در کوچه و خیابانها به دنبال کودک ربوده شده، گمشده و یا در چنگال مرگ می‌دوید و این قالبی نادرست از حس زیبای مادری بود و شاید آسانترین راه برای برانگیختن عواطف سطحی مخاطبین.

ما در این سالها تصویر جدی، تاریخی و واقعی از هویت زن ایرانی به دست نیاوردیم و نشانه‌ای از خصلتهای اصیل او، از صبر، درایت و هوشمندی زن ایرانی به جز چند کارمعدود، دیگر تصویر محکمی ندیدیم. درواقع حسرت تداوم نگاه هنرمندانه به زن بعد از دیدن فیلمهای خوبی مانند شاید وقتی دیگر و نرگس، در قلم خشکید و انتظار برای

گفت‌وگو با خانم ضیاپور، زن هنرمند سوزندوز

اقوام ایران و سوزنی که در چشم می‌رود

به خانه که وارد می‌شوی روبه‌روی دیواری قرار می‌گیری که نه مثل یک دیوار است. تابلوهای زیبای سوزندوزی بر تنش چشم را خیره می‌کند. ابتدا گمان می‌کنی کارها نقاشی است، اما بیشتر که می‌روی به اشتباه خود پی می‌بری و تحیرت افزون می‌شود. مگر ممکن است دستی و چشمی این‌گونه چون مخمل بدوزد که ذره‌ای فاصله بین سوزنها و نخها نیایی!

صاحبخانه منتظر است و باید نشست. از خانه و خانواده گرمایی می‌تراود نوشیدنی. زن و مردی هنرمند که عشقشان زمینی بوده است مستعد تا هنر از خاک آن بروید. از همسر شهین صابر تهرانی، استاد ضیاپور، پدر نقاشی نوین ایران، می‌خواهیم که در مصاحبه ما حضور داشته باشد، به ویژه آنکه این بانوی هنرمند مهتری ستودنی با مرد خویش و هنر او دارد و پژوهشهای استاد در زمینه جامعه‌شناسی و البسه اقوام ایرانی پشتوانه و سرچشمه هنر خانم ضیاپور بوده است.

- خانم ضیاپور از خودتان بگویید:

- اسم من شهین صابر تهرانی است. که البته بعد از ازدواج از فامیل شوهرم استفاده می‌کنم. بعد از این که دیپلم گرفتم با ضیاپور ازدواج کردم. البته مدت یکسال و نیم در اداره فرهنگ و هنر سابق کار کردم و در دفتر ضیاپور بودم. در آن زمان او اداره نمایشگاهها را داشت و ضمناً نمایشگاه خراسان را می‌ساخت، که بسیار با عظمت بود. فکر کردم بهتر است در خانه باشم و در خانه کار مثبتی را شروع کنم که وقت را هم تلف نکرده باشم. من در رشته خاصی تحصیل نکرده‌ام. اما مدت ۲۰ سال است در زمینه روانشناسی مطالعه می‌کنم. ضیاپور هم معتقد بود که مدرک مهم نیست و در رشته‌ای که مورد علاقه من باشد به من کمک خواهد کرد. در زمینه روانشناسی کتابی نیست که ضیاپور برای من نخریده باشد. حاصل

زندگی ما دو فرزند است. یک پسر و یک دختر. دخترم دانشجوی رشته روانشناسی و پسرم دانشجوی مدیریت بیمه است.

- چه مدت است که سوزندوزی می‌کنید؟

- کار سوزندوزی را از ۳۰ سال پیش آغاز کردم. ابتدا پیش همسر دو سال طراحی خواندم، ترکیب رنگها را نیز از او یاد گرفتم. نزدیک به هفت سال است که هر روز، هفت تا هشت ساعت کار می‌کنم. گاهی شبها نیز با ذره‌بین و پروژکتور کار را ادامه داده‌ام. هر کار حدوداً چهار تا پنج ماه طول کشیده است اما تمام وقت و کوشش را گذاشته‌ام تا کاری مستمر بکنم و چیزی برای مملکت به جا بگذارم که ارزش داشته باشد و بی‌حاصل نباشد. این تابلوها حاصل همه عمر من است.

- آیا شما از سوزنهای خاصی برای

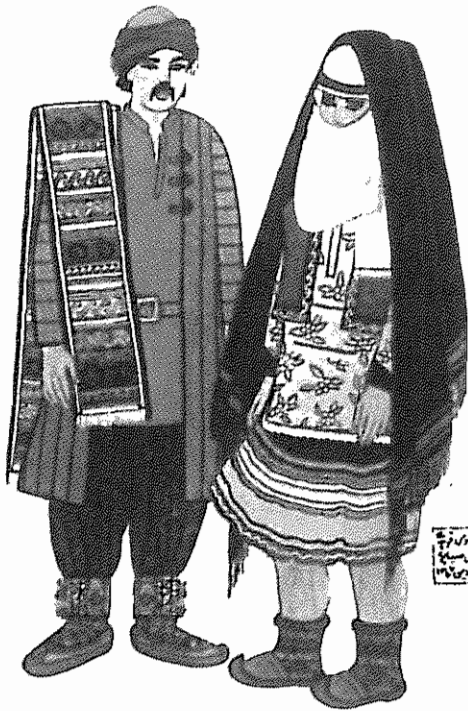
کارتان استفاده می‌کنید؟

- بله، سوزنهای بسیار باریکی است. من واقعاً چشمهایم را سر این کار گذاشته‌ام. چشمهای من بی‌نهایت قوی بود ولی روز به روز ضعیفتر می‌شود. برای هر کاری حدوداً ۲۰ تا ۲۵ سوزن می‌شکنند. باید آنقدر روی صورت کار کنم تا به چشمها، بینی و همه اعضای دیگر کاملاً فرم دهم. تمام تکنیکهایی که از همسر یاد گرفته‌ام در کارهایم به کار گرفته‌ام. سعی کرده‌ام همه چیزها را منعکس کنم، حتی برق چشمها را یا مثلاً جسارت قوم گُرد را. آنها جان دارند. کارها آنقدر ریز سوزن خورده که پشت آنها مثل بافت قالی شده است.

- کارهای شما زمینه ندارد. آیا دلیل خاصی دارد؟

- بله، هر رنگی که برای زمینه استفاده می‌کردم زایید بود. یعنی زمینه‌دوزی بی‌جهتی





● از نظر جامعه‌شناسی در
چهره‌ها دقت شده تا تپها مشخص
شوند و اصالت قومی خود را نشان دهند.

● استاد ضیاپور: ما عمری کوتاه داریم و هزار سودا. عمر
دوباره، سه‌باره و چهارباره لازم
است تا انسان به خواسته‌های
درویش برسد و شعور باطنیش را روی کار بیاورد.

است زیرا آب و هوای هر محیطی، رنگ‌آمیزی خاصی دارد. به همین علت رنگ‌آمیزی لباس اقوام با هم فرق دارد. مثلاً در آذربایجان که هوا سرد است لباسها هم تیره است. این هم یک بعد دیگر کار است. از نظر جامعه‌شناسی نیز در چهره‌ها دقت کافی شده است تا تپها مشخص شوند و اصالت قومی خود را نشان دهند. بنابراین برای دانشجویان نیز قابل استفاده است. آنها به جای اینکه به آذربایجان، کردستان یا هر جای دیگری سفر کنند، می‌توانند با دیدار از موزه اصالت‌های قومی را بررسی کنند و از آن در کارهای تحقیقاتی استفاده کنند.

آقای ضیاپور می‌افزاید: اقوام ما براساس اختلافات آب و هوایی رنگ‌های خاصی انتخاب می‌کنند که مناسب محیط باشد. این امر برای نقاشان هم بسیار مهم است تا بدانند که وقتی از قومی چیزی نقاشی می‌کنند متناسب با رنگ‌آمیزی محیطی آن قوم باشد. به همین علت من همیشه تأکید داشتم که رنگها کاملاً منطبق باشد و اگر گاهی رنگ اصلی در نمی‌آید خانم کار را می‌شکافت. بنابراین توجه به رنگ‌آمیزی قومی در محیط اهمیت خاصی داشته است و کار فقط سوزن‌زنی نیست که فقط سوزن بزنی و نخ را از هر جا که باشد درآوری.

پاره نشود. گاهی حتی دامنی را تا بالا دوخته بودم ولی آن رنگی که باید به من دهد یا به ضیاپور که محقق این کار است، نداده است. تماماً شکافته‌ام. هفته‌ها دوخته‌ام و دوباره شکافته‌ام.

- طرح کارهایتان را بر چه اساسی انتخاب می‌کنید؟

- طرح کارهای من دقیقاً مستند است و براساس کتاب «ایلات و عشایر» که نتیجه تحقیق همسر در سراسر ایران است. تهیه شده است. او سالها ایران را گشته، در بیابانها با چادرنشینها بوده و دقیقاً کاری تحقیقاتی و مستند ارائه کرده است. به همین دلیل سعی کردم حق کار را ادا کنم و آن را سرسری نگیرم که سندیت تاریخی آنها محفوظ بماند.

- پس به جز جنبه هنری کار سوزن‌دوزی، جنبه‌های دیگری را هم در نظر داشته‌اید؟

- بله، صددرصد. به این دلیل که طرحها را از خودم یا جای دیگر نگرفته‌ام. این کارها همه ارزش تاریخی دارند. در تمام دنیا می‌گردند تا پوشاک ملتها و اقوام را پیدا کنند. آن چیز که در این کارها اهمیت خاصی دارد این است که زن و مرد همه اقوام با هم حضور دارند. در کار به جنبه رنگ‌آمیزی محیطی و قومی نیز توجه شده

می‌شد. چون هدف فقط نمایش لباس است بنابراین لزومی ندیدم زمینه بدوزم. در نقاشیهای همسر هم می‌بینید که رنگ ثابتی برای همه جا زده نشده است. بعضی از کارها حتی ممکن است رنگ هم نداشته باشند. حالا در مورد کار من که فقط می‌خواهم لباس و شخصیت افراد محلی را نشان دهم هیچ نیازی نیست و قتم را بگذارم و چشمم را از دست بدهم.

استاد ضیاپور می‌افزاید: حالا فرض کنید که خانه‌ای و دیواری و چینه‌ای هم برای کار می‌گذاشت و درختی، آنها هیچ کدام لزومی نداشت. هدف چیز دیگری بود.

- آیا تا به حال کارهای دوخته شده را شکافته‌اید؟

- زیاد، به خصوص به خاطر رنگ. چون همسر بی‌نهایت به رنگهای محلی حساس است. ما همه رنگها را نداریم. گاهی ناچار شده‌ام تداخل رنگ ایجاد کنم تا رنگ اصلی لباس به دست آید، ضمن اینکه کسی متوجه تداخل رنگها نشود. به همین علت بارها پیش آمده که کار به پایان رسیده اما رنگ دلخواه به دست نیامده است و من مجبور شده‌ام که تمام کار را بشکافم. این کار هفته‌ها وقت مرا گرفته است. چون کار یک میل یک میل دوخته شده است و باید با نوک قیچی، دانه دانه قیچی و با موچین کشیده شود تا پارچه





- شما آموزش سوزن‌دوزی هم می‌دهید؟
- شاگردی داشتم که به خانه او می‌رفتم و به او تعلیم می‌دادم. مدتی زیر نظر من کار کرد و تابلوهایی هم دوخت. غیر از او هم شاگردان زیادی برای تعلیم آمدند ولی بیشتر آنها پس از مدتی کار را رها کردند. من فکر می‌کنم بیشتر به این دلیل که کار سوزن‌دوزی با چنین کیفیتی به دقت و توجه و علاقه زیاد نیاز دارد و بنابراین خیلی ایراد می‌گیرم و از همان مرحله اول شاگرد با مشکلات زیادی طرف می‌شود.

- خانم ضیاپور آیا تا به حال نمایشگاهی از کارهایتان برگزار کرده‌اید؟
- نه. کارهای من در قطع کوچک است و اوضاع نمایشگاهها را که می‌دانید. مگر آنکه کارها را بیمه کنند. چون آنها برای خودم بی‌نهایت ارزش دارند. من گاهی در نمایشگاهها دیده‌ام که مردم هنگام نگاه کردن به کارها مثلاً تابلوهای نقاشی روی آنها دست می‌کشند، در حالی که می‌توانند چیزهای مورد نظرشان را با اشاره به هم نشان دهند. این عمل به آثار هنری لطمه می‌زند. البته دلم می‌خواهد که کارها را به موزه‌ای ارائه کنم و از موزه ملک تقاضای این کار را کردم. فکر کردم که آنجا تحت نظر آستان قدس رضوی است و افراد متدینی در آنجا کار می‌کنند و از این کارها به بهترین

وجهی نگهداری می‌شود و تابلوها هدر نمی‌رود. در موزه‌های خارج هم می‌توانم بگذارم. در حال حاضر از پاریس و ایتالیا برای نمایش تابلوها دعوتنامه دارم اما هیچ وقت نرفتم. چون می‌خواهم یک هنر ملی در میهن خودم باقی بماند. در امریکا نیز کارهایم را به قیمت زیادی می‌خریدند و از این راه می‌توانستم پول زیادی بدست آورم اما هرگز حاضر به این کار نشدم. اما متأسفانه نه ملت و نه دولت ما واقعاً بهایی به هنرمند نمی‌دهند یعنی از هر جهت هنرمند را دلسرده می‌کنند. موزه ملک یک نفر را برای قیمت‌گذاری کارهای من فرستاد ولی قیمت آنچنان پایین بود که بنظرم کاملاً عجیب آمد.

استاد ضیاپور در ادامه بحث همسرش می‌گوید: کارهای سوزن‌دوزی خانم برای مردم و برای محققان در رسیدن به نوع پوشاک ایرانی بهترین سند دست‌دوز است که با هنرمندی تمام روی آن دقت شده است: از نظر رنگ‌آمیزی، از نظر سوزن‌زنی، از نظر تیپ اشخاص. شما کرد را کرد می‌بینید، ترک را ترک می‌بینید، قیافه‌های گیلک، لر، بختیاری، ترکمن تماماً مشخص است. تیپها قابل شناسایی است. قیافه‌ها و لباسها، چه زن چه مرد کاملاً مشخص است. پس اینها اهمیت جهانی دارند. با استفاده از طرح لباسهای شرقی مثل شلوار کردی، و

نمونه‌های فراوان دیگر می‌توان در زمینه مد هم از آنها استفاده کرد. طراحان لباس می‌توانند برای طرح لباسهای اسلامی از آنها بهره بگیرند. برای ما زمینه مناسبی است اما متأسفانه استفاده نمی‌کنیم. از نظر کار سوزن‌دوزی هم بسیار دقیق انجام شده است. شما سرانگشت خانم را ببینید، سوزن سوراخ سوراخش کرده است.

- برگزاری نمایشگاه در ایران و یا به خصوص در سایر کشورها شناساندن ما به دیگران است. شما می‌توانید کارهایتان را نفروشید و فقط به معرض نمایش بگذارید؟
- دولت نمی‌گذارد کارهای هنری از کشور خارج شود. البته با اجازه‌ای که از تالار وحدت می‌گیرند می‌شود آنها را خارج کرد ولی برای من هزینه سنگینی دارد. معمولاً هنرمندان چنین پولهایی ندارند که به راحتی صرف این کارها کنند. باید مقداری پول قرض کنم و برای برگشت آن پول باید سالها زحمت بکشم تا بتوانم آن را پرداخت کنم. از این که پولی برای این کار ندارم ناراحت نیستم. ولی مسئله این است که نمی‌توانم شخصا برای شناسایی اقوام ایرانی به ملل دیگر اقدام کنم. چون در زندگی خصوصیم مشکلاتی به بار می‌آورد. به همین علت هیچ‌وقت به خارج از کشور نرفتم. اگر هم می‌خواستم بروم فقط برای فروش بود تا



بتوانم در بازگشت کمی مشکلات مالیمان را جبران کنم. در ضمن این که دلم نمی‌خواهد ضیاپور تابلوهایش را بفروشد. تابلوهای او برای من یک دنیا ارزش دارد. وقتی تابلوهایش را به نمایشگاه می‌برند تا مدت‌ها جای خالی آنها را حس می‌کنم، چه رسد به آن که فروش بروند. پس برای تعادل هزینه زندگی ترجیح می‌دهم کار خودم را بفروشم. نه این که از کار خودم بگذرم ولی دوست داشتم مثلاً موزه ملک آنها را به قیمت مناسبی بخرم که هر وقت برای آنها هم دلتنگ شدم بروم و آنها را ببینم و حاصل عمرم را بر باد رفته نبینم.

- شما نقاشی هم می‌کنید؟

- به نقاشی خیلی علاقه دارم. عاشق کارهای همسرم هستم. همانطور که قبلاً هم گفتم دو سال پیش او طراحی خواندم. کمی هم گواش کار کردم. در کل باید بگویم در مدت سی سال زندگی با ضیاپور در این زمینه پیشرفت هم داشتم. به طوری که امروز به راحتی می‌توانم تابلوها را بشناسم و تحلیل کنم. اما در این زمینه قصد نداشتم کاری جدی کنم. چون همسرم از نظر نقاشی به سطحی رسیده است که به او «پدر هنر نو در ایران» می‌گویند و من اگر سالها می‌دویدم به سطح او نمی‌رسیدم. پس در کار دیگری خود را جلو بردم تا برای خود کسی باشم و چیز جدیدی ارائه کنم.

- در حقیقت طالب استقلال هستید؟

- البته، من خودم هم باید مستقل باشم. باید از خودم چیزی داشته باشم. به همین دلیل گرایشم به سمت سوزن‌دوزی شد تا نقاشی. یعنی کاری که تاکنون در ایران انجام نشده است. از طرف دیگر نقاشی چیزی است که اگر آدم پشت تابلو نشست دیگر نمی‌شود فکر غذا، بچه، شوهر و رفت و آمد بود. نقاش باید خودش باشد و بوم و آنچه در فکرش می‌گذرد. البته منظور این نیست که سوزن‌دوزی تمرکز نمی‌خواهد. آن هم تمرکز می‌خواهد، اگر تمرکز نباشد کار انجام نمی‌شود اما حالتی متفاوت با نقاشی دارد.

- با این حساب اگر یک زن بخواهد شوهر کند یا بچه‌دار شود، نمی‌تواند نقاش خوبی باشد؟

- چرا، به شرط آنکه شوهر هنرمند نداشته باشد.

- پس باید در یک خانواده یا زن و یا مرد باید هنرمند باشند؟

- دقیقاً، چون اگر هر دو هنرمند باشند دائماً بر خورد پیش می‌آید. البته این نظر

باشیم. به همین دلیل از نزدیکان خواهش کرده‌ایم برای آمدن به اینجا از قبل با ما تماس بگیرند.

- من فکر می‌کنم خانه ما معبد است و هر کس که وارد آن می‌شود باید متوجه این جنبه آن بشود، یعنی با خلوص بیاید. ما معمولاً در زمان مناسبی تقریباً همه اعضای خانواده را دعوت می‌کنیم. همین‌جا سفره پهن می‌کنیم و روزی را با هم می‌گذرانیم. حتی گاهی من غذای ضیاپور را سر میز کارش می‌برم. ما همه را دوست داریم و دوست نداریم کسی از ما دلگیر شود. ام کسی که وارد خانه ما می‌شود باید بتواند وضعیت ما را درک کند. من به طور کلی معاشرتم با دوستانم و خانواده‌ام محدود است. تنها معاشرت زیادم با یکی از خواهرانم است که او خودش شاگرد همسرم بود و در حال حاضر نقاش است. ما به یکدیگر خیلی شبیه هستیم و حرفهای زیادی برای گفتن داریم. او مرا خیلی خوب درک می‌کند.

استاد ضیاپور می‌افزاید: ما عمری کوتاه داریم و هزار سودا. عمر دوباره، سه‌باره و چهارباره لازم است تا انسان به خواسته‌های درونیش برسد و شعور باطنیش را روی کار بیاورد. همه کس که مثل هم نیستند. شاید کسی هویت انسانی برایش اعتبار نداشته باشد. آنها شاید وقت زیادی داشته باشند ما این وقتی هم که داریم برای آموختن چیزی که می‌خواهیم، کم است. چه لزومی دارد که

ماست.

- خانم ضیاپور به عنوان زن هنرمندی که در خانه علاوه بر کارهای روزمره به کار هنری می‌پردازد و با مرد هنرمندی نیز زندگی می‌کند، چگونه برنامه زندگی خود را تنظیم کرده‌اید؟

- من همیشه از محیطها دور مانده‌ام و بیشتر در خانه هستم. حتی برای خرید هم که بیرون می‌روم سریع برمی‌گردم چون احساس می‌کنم زندگی در این چهار دیواری بین تابلوها و کتابها خلاصه شده است. هیچ جای دیگر به اندازه این خانه مرا راضی نمی‌کند. بنابر این چرا وقت را بکشم. بیشتر دوست دارم از کتاب استفاده کنم و با همسرم راجع به آنها صحبت کنم. این طوری لذت بیشتری می‌برم.

استاد ضیاپور اضافه می‌کند: در زمینه رفت و آمد با دوستان و فامیلهای هم مشکلات زیادی داشتیم. چون مردم ما خیلی زودرنج هستند و سریعاً از وضع خاصی ناراحت می‌شوند ولی ما برای دفع وقت فرصتی نداریم. و همان‌طور که می‌بینید زندگی ما همه در این اتاق است. دفتر کار من، آتلیه من، اتاق پذیرایی، ناهار خوری و همه چیز دیگر در همین اتاق خلاصه می‌شود. من هر وقت بخواهم کار کنم تابلوی سفیدم را روی این سه پایه می‌گذارم و کارم را انجام می‌دهم. خانم می‌آید و من حتی متوجه نمی‌شوم. ساعتها به تابلو نگاه می‌کند و ما حتی شاید آن روز ناهار خاصی هم نداشته



وقت را به بطالت بگذرانیم.

- و البته شرط مهم و اولیه این است که هر دو تفاهم دارید. فکر نمی‌کنید که اگر غیر از این بود مشکلاتی به وجود می‌آمد؟

- دقیقاً همینطور است. با آنکه من و

همسرم اختلاف سنی زیادی داریم. اما با هم تفاهم داریم. گاهی همسرم می‌گوید وقتی تو می‌گویی ۳۰ سال است که ما با هم زندگی

می‌کنیم به نظرم عجیب می‌آید، من فکر می‌کنم که هفت یا هشت سال گذشته است. واقعاً می‌گویم من عاشق همسرم هستم. او

خیلی حساس است، همه چیز را خوب می‌فهمد و مرا درک می‌کند. به خیلی چیزهایی که متأسفانه اغلب مردها در مورد

زنهایشان توجه ندارند، توجه دارد. بسیار دقیق است که البته مربوط به کار اوست که هنرمند است. با هم همفکری زیادی داریم،

با این که من هرگز خودم را همپای او نمی‌بینم. البته در زندگی تضادهای فکری و ناراحتی پیش می‌آید اما من در این مورد از

بزرگترین منت‌کشان روزگارم. هر بار که مسئله‌ای پیش می‌آید خودم پیشقدم می‌شوم و منت کشی می‌کنم. به همین دلیل هیچ وقت

بینمان فاصله نیفتاده است. سعی می‌کنیم همیشه تفاهم داشته باشیم.

استاد ضیاپور می‌افزاید: به نظر من رفاقت در زندگی بهتر از هر چیز دیگری است. موضوع برتری و تسلط و این حرفها در زندگی نیست و اصلاً مطرح شدن آنها

زشت است. - ما در زندگی با مشکلات زیادی مواجه شده‌ایم. من همیشه سعی کرده‌ام که با چنگ

و دندان زندگی را حفظ کنم ولی کاری نکردم که ضیاپور مجبور شود خودش را بفروشد تا ما شکمان را سیر کنیم. او عمری

زحمت کشیده است و من هم زنی نبوده‌ام که به خاطر جواهر و تجملات زاید زندگی، شوهرم را وادار کنم تن به هر کاری بدهد.

باور کنید روزگاری بوده است که همه چیز را فروخته‌ایم و دیگر هیچ چیز نداشته‌ایم. ولی زندگی را نگه داشتیم. هرگز هم به کسی

گله و شکایت نکردم و نگفتم که در خانه من چه می‌گذرد. با همه فامیل با روی خندان مواجه شدم تا کسی نگران و ناراحت نشود.

- خانم ضیاپور آیا در سفرهای شوهرتان با ایشان همراه بودید؟

- نه. من همراهش نمی‌رفتم. چون او برای کار تحقیقی می‌رفت و اصولاً هر وقت ضیاپور برای کار تحقیقی برود من فکر می‌کنم باید در خانه باشم و بیشتر به زندگی رسیدگی

کنم. کار او مربوط به خودش است. من نمی‌توانستم در این سفرها کمک خاصی به او بکنم. او باید رها باشد، خودش باشد تا بتواند همه چیز را بگیرد و جذب کند.

- معمولاً پدر و مادرها دوست دارند تخصص یا هنر خود را به فرزندان منتقل کنند. آیا شما بچه‌هایتان را به فراگیری هنر خودتان ترغیب می‌کنید؟

- همان طور که من استقلال خودم را می‌خواهم و همسرم استقلال خودش را، و سعی نکردیم هرگز در زندگی همدیگر محدودیتی ایجاد کنیم، برای بچه‌هایمان هم همین را می‌خواهیم. یعنی هیچ وقت تحمیلی در کار نبوده است. راه و روش را می‌گویم،

با آنها زیاد حرف می‌زنیم، من حتی گاهی برایشان می‌نویسم ولی محدودیت برایشان ایجاد نمی‌کنیم. پسر در حال حاضر مدیریت

بیمه می‌خواند، یعنی ۳۶۰ درجه تفاوت با روحیه پدر. شاید کمبودهای مالی خانواده، او را به این رشته کشانده باشد. چون به هر

حال فکر می‌کند هنر هرگز او را تأمین نکرده است. پدرش سالها در این راه تلاش کرده است، روحاً ارضا شده است و همه چیز دارد ولی ما از نظر اقتصادی صفر هستیم و

کمبودهای زیادی داریم. - از این که وقت خودتان را در اختیار ما گذاشتید تا با هم صحبتی دوستانه داشته باشیم، بسیار ممنون هستیم. در پایان اگر

مطلبی به نظرتان می‌رسد که اضافه کنید، بفرمایید.

- ما کار شما را تحسین می‌کنیم و صمیمانه از شما تشکر می‌کنیم. من می‌دانم که شما هم با مشکلات مالی فراوان و بسیاری مسائل دیگر همه جا سر می‌زنید تا

کسانی را پیدا کنید، معرفی کنید و به مردم بگویید کسانی هستند که جان و مالشان را در راه پیشرفت فرهنگ و هنر گذاشته‌اند و چرا شما توجه ندارید. این کار بسیار شاقی

است. می‌توانم بفهمم که چه کار دشواری می‌کنید و چگونه سختیهای زندگی را تحمل می‌کنید. شما مثل سوپاپ اطمینان برای

هنرمندان می‌مانید، آنها را رها می‌کنید. تا از آن همه مسائل درونی که عذابشان می‌دهد و

دیگر به بن‌بست رسیده‌اند و نمی‌دانند چه کنند حرف بزنند تا کمی آسوده شوند و باز هم برای میهن و بچه‌های میهنشان تلاش

کنند. گاهی فکر می‌کنم که این بچه‌ها حالا اهمیت نمی‌دهند اما شاید سالها بعد توجه بیشتری به مسائل دور و برشان کنند.

- ما هم به امید آن روز هستیم.

● در کارها به

جنبه رنگ‌آمیزی محیطی و

قومی توجه شده است

زیرا آب‌وهوای

هر محیطی

رنگ‌آمیزی خاصی دارد.

● گاهی باید آنقدر کار کنم تا

به چشمها، بینی و

اعضای دیگر فرم بدهم.

حتی برق چشمها یا مثلاً

جسارت قوم گرد را نشان دهم.

● طرح کارهای من دقیقاً مستند

است و ارزش تاریخی دارد.



قوانین و مقررات عمومی

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره ۱۶۶۶/۹۶۵۳/ق

۱۳۷۱/۹/۵

ریاست جمهوری اسلامی ایران

قانون «اصلاح مقررات مربوط به طلاق»
۷۰/۱۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی که تبصره ۶ آن
مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته،
در اجرای اصل یکصد و نهم قانون اساسی در
جلسه مورخ پنجشنبه ۷۱/۸/۲۸ مجمع تشخیص
مصلحت نظام بررسی و تبصره ۶ مصوبه مذکور با
اصلاحاتی به تصویب رسیده، به پیوست جهت
اجراء ابلاغ می‌گردد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام - اکبر
هاشمی رفسنجانی

شماره ۲۷۹۴۸ ۱۳۷۱/۹/۱۱ وزارت دادگستری

قانون «اصلاح مقررات مربوط به طلاق که در
جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و یکم اسفند
ماه یک هزار و سیصد و هفتاد مجلس شورای اسلامی
تصویب و با توجه به ایراد شورای محترم نگهبان و
در اجرای اصل یکصد و نهم قانون اساسی در
جلسه روز پنجشنبه مورخ ۱۳۷۱/۸/۲۸ مجمع
تشخیص مصلحت نظام بررسی و با اصلاحاتی به
تصویب رسیده و طی نامه شماره ۱۶۶۶/۹۶۵۳/ق
مورخ ۱۳۷۱/۹/۵ واصل شده است، به پیوست
جهت اجراء ابلاغ می‌گردد.

رئیس جمهور - اکبر هاشمی رفسنجانی

قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون
زوجیهایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را
دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به
دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوی نمایند.
چنانچه اختلاف فیما بین از طریق دادگاه و
حکمین، از دو طرف که برگزیده دادگاهند (آنطور
که قرآن کریم فرموده است) حل و فصل نگردید
دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را
به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی

طلاق حق ثبت طلاقی را که گواهی عدم امکان
سازش برای آنها صادر نشده است، ندارند. در
غیر این صورت از سردفتر خاطی، سلب صلاحیت
به عمل خواهد آمد.

تبصره ۱ - نحوه دعوت از حکمین و بررسی
صلاحیت و بررسی صلاحیت آنان به عهده دادگاه
مدنی خاص است که آیین نامه اجرایی آن ظرف ۲
ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس
قوه قضائیه خواهد رسید.

تبصره ۲ - گزارش کتبی مبنی بر عدم امکان
سازش با توجه به کلیه شروط ضمن عقد و مطالب
مندرج در اسناد ازدواج جمهوری اسلامی ایران و
نیز تعیین تکلیف و صلاحیت سرپرستی فرزندان و
حل و فصل مسائل مالی با امضای حکمین شوهر
و زن مطلقه و همچنین گواهی کتبی سلامت روانی
زوجین در صورتیکه برای دادگاه مدنی خاص
مشکوک باشد به دادگاه باید تحویل گردد.

تبصره ۳ - اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در
دفتر، موکول به تأذیه حقوق شرعی و قانونی زوج
(اعم از مهریه، نفقه، جهیزیه و غیر آن) بصورت نقد
می‌باشد مگر در طلاق خلع یا مبارات (درحد
آنچه بذل شده) و یا رضایت زوجه و با صدور
حکم قطعی اعسار شوهر از پرداخت حقوق
فوق‌الذکر.

تبصره ۴ - در طلاق رجعی گواهی کتبی
اسکان زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده
الزامی است. و در صورت تحقق رجوع،
صورتجلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع
در مهلت مقرر، صورتجلسه طلاق تکمیل و ثبت
می‌گردد، صورتجلسه تکمیلی طلاق با امضاء
زوجین و حکمین و عدلین و سردفتر و مهر
دفترخانه معتبر است.

تبصره ۵ - دادگاه مدنی خاص در مواقع لزوم
می‌تواند از بین بانوان واجد شرایط قانون شرایط
انتخاب قضات مشاور زن داشته باشد.

تبصره ۶ - پس از طلاق در صورت

درخواست زوجه مبنی بر مطالبه حق الزحمه
کارهایی که شرعاً بعهده وی نبوده است، دادگاه
بدون از طریق مصالح نسبت به تأمین خواسته زوجه
اقدام می‌نماید. و در صورت عدم امکان مصالح،
چنانچه ضمن عقد یا عقد خارج لازم، در
خصوص امور مالی، شرطی شده باشد طبق آن
عمل می‌شود، در غیر این صورت هرگاه طلاق بنا
به درخواست زوجه نباشد، و نیز تقاضای طلاق
نناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا
سوءاخلاق و رفتار وی نباشد، به ترتیب زیر عمل
می‌شود:

الف - چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً
بعهده وی نبوده، به دستور زوج و با عدم قصد
تبرع انجام داده باشد، و برای دادگاه نیز ثابت
شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را
محاسبه و پرداخت آن حکم می‌نماید.

ب - در غیر مورد بند «الف»، با توجه به
سنوات زندگی مشترک و نوع کارهاییکه زوجه در
خانه شوهر انجام داده و وسع مالی زوج، دادگاه
مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زوجه تعیین
می‌نماید.

تبصره ۷ - گواهی وجود یا عدم وجود جنین
توسط پزشک ذیصلاح و آزمایشگاه مربوطه باید
تحویل گردد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و ۷ تبصره که
در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و یکم
اسفند ماه یک هزار و سیصد و هفتاد مجلس شورای
اسلامی به تصویب رسیده و تبصره ۶ آن مورد
اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته، در
اجرای اصل یکصد و نهم قانون اساسی در
جلسه روز پنجشنبه بیست و هشتم آبانماه
یک هزار و سیصد و هفتاد و یک مجمع تشخیص
مصلحت نظام بررسی و تبصره ۶ مصوبه مذکور با
اصلاحاتی به تصویب رسیده است.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام - اکبر
هاشمی رفسنجانی



تصویب قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق،

نشانی از وجود عدم تعادل در خانواده‌ها

مهرانگیز کار

باز می‌گردیم به اصل مطلب: چنانچه مرد با رفتار ناهنجار خود زن را مورد آزار و شکنجه قرار دهد و ضمن ادامه بدرفتاری از دست‌مایه بسیار مؤثر و قاطع خود یعنی «مفاد ماده ۱۱۳۳» قانون مدنی هم استفاده نکند، زن فقط دو راه پیش دارد، یا بسوزد و بسازد یا به قلمرو بسیار خطرناک «عسر و حرج» که تنها امید رهایی است نزدیک بشود و از دادگاه، به لحاظ عسر و حرج، اجازه طلاق بخواهد (با استفاده از ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی). چنانچه فرض دوم را با خوشبینی دنبال کنیم، زن پس از مدت زمان طولانی، مراتب عسر و حرج خود را به اثبات رسانده و معمولاً به ازای بدل مهریه، مطلقه می‌شود. در این واقعه آنچه عاید او می‌شود چیست؟ رهایی از سوءرفتار و شکنجه

رهایی از سوءرفتار و شکنجه، البته شکرانه دارد. اما همین که شکنجه دیده چند صباحی را در فضای آزاد سپری کرد و اندکی از محیط ضرب و شتم دور شد، ناگزیر است سقفی را سرپناه خود قرار دهد و نانی را وصله شکم کند که هر دو برای اکثر زنان مطلقه نایاب و دست نیافتنی است. امید این بوده و هست که زن مسلمان ایرانی به کمک قانونگزاری و سیاستگزاری در برابر آنچه حاصل و عملکرد این دو ماده قانونی (مواد ۱۱۳۳ و ۱۱۳۰ قانون مدنی) است، این همه آسیب‌پذیری و درماندگی خود را بگذارد و نفس شریف او در هر دو شکل واقعه، مصون از تعرض باقی بماند. امیدها همچنان باقی است و ناله‌های زنان درگیر با مسئله به حدی است که سرانجام تمام و کمال مورد توجه قرار می‌گیرد. اما آنچه اکنون بدان دست یازیده‌ایم نیز قابل بحث است:

قانون «اصلاح مقررات مربوط به

که زیر ضربات مهلک اقتصادی از پایه فرو ریخته است.

در شرایط حاضر، تنشها ادامه دارد و زوجهای فرو غلطیده در بحران هر یک می‌کشند از قانون چماقی بسازد و آن دیگری را که در باور او زیاده‌خواه و پرمدها شده است از پای آورد. پیداست که زن زودتر در معرض ضربات قرار می‌گیرد و ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی که به مرد حق و اختیار می‌دهد تا «هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد»، زن را که در طول سالیان زناشویی خسته و فرسوده و سالخورده و از کار افتاده است زیر پا له می‌کند. آنچه این زن - که بخش عمده دارایی خانواده (مالی و معنوی و حیثیتی) حاصل دسترنج او است - با خود می‌برد عبارت است از مبلغ ناچیزی بابت عده سه ماه و ده روز و مهریه‌ای که در صورت وصول تابعی است از ارزش متغیر و رو به کاهش پول که اگر در زمان وقوع عقد نکاح واجد ارزشی هم بوده، در حال حاضر ارزش آن بسیار تنزل کرده است. اغراق نیست اگر گفته شود ارزش مهریه زنان در اکثر مواردی که به آن اشاره داریم به صفر نزدیک شده است!... زنها با مهریه ده بیست سال پیش خود حتی نمی‌توانند اجاره مسکن یک ماه از دوران بیوگی را تأمین کنند - چه رسد به اینکه بخواهند برای ادامه زندگی با آن ارتزاق هم بکنند. بنابراین «تورم» بسیار صریح و بی‌پروا و بدون رودربایستی و استخوان لای زخم گذاشتن، موقعیت بحرانی زنان و بی‌کسی و تنهایی آنها را برملا کرده است. در اینجا به موضوع شوربختی زنان مطلقه فقط در ارتباط با حقوق مالی آنها می‌پردازیم و سایر مسایل از قبیل نوع رابطه با فرزندان و گرفتاریهای اجتماعی ناشی از بیوگی مورد بحث نیست.

قانون «اصلاح مقررات مربوط به طلاق»، مصوب ۷۰/۱۲/۲۱، مجلس شورای اسلامی که تبصره شش آن مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفت، سرانجام در تاریخ ۱۳۷۱/۸/۲۸ با اصلاحاتی از تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام گذشت و جهت اجرا ابلاغ شد.

تصویب این قانون به خودی خود و فارغ از بررسیهای فنی و اجرایی بر وجود بحران در روابط و همچنین بر وجود عدم تعادل مالی در زندگی زوجهای ایرانی - به خصوص در صورت وقوع طلاق - دلالت دارد. به سخن دیگر سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه به ضرورت تعدیل وضع موجود و ترمیم موقعیت مالی زنان در زندگی خانوادگی و رفع ظلم فاحشی که متوجه زنان است، متقاعد شده‌اند و با تصویب قانون مورد بحث رسماً اعلام کرده‌اند که وضع موجود قابل دوام نیست و باید چاره‌ای اندیشید.

تنشهای اقتصادی ناشی از تورم در دهه اخیر، واقعیت تلخ نابرابریهای زن و مرد را در زمینه بهره‌برداری از امکانات مالی خانواده عریان ساخته است. تنشهای اقتصادی به تدریج تبدیل به تنشهای رفتاری در زندگی زوجهای ایرانی شده و فروپاشی و انهدام خانواده‌هایی را در پی داشته است. این تنشها گاهی باعث شده مرد خانواده به ثروت و مکننت ناگهانی دست یابد. در بسیاری موارد هم از قدرت خرید او کاسته شده و باز فشار ناشی از گرانی از مرد به زن انتقال یافته است. آن‌گونه که گذشت به لحاظ این قبیل وقایع اجتماعی، در روابط زوجها بحران ایجاد شده و چه بسا بنیان خانواده‌ها



● آنچه به الفاظ قانونی جان و رمق و تاثیر می بخشد، ضمانتهای اجرایی است که پشتوانه اعتبار قوانین است، در غیر این صورت دست و پاگیر است، نه چاره ساز.

● حتی اگر مردان متقاضی طلاق در کوتاه مدت از ترس مطالبه اجرت المثل از سوی همسر مطلقه از اصرار برای طلاق صرفنظر کنند، در دراز مدت این تأثیر و نقش بازدارنده از بین می رود.

● اختلافات بین زوجین، توسط حکمین نه حل می شود، نه فصل و این دادگاه است که قاطع دعاوی است.

طلاق» گویا یک پاسخ مقدماتی و شاید آزمایشی در برابر این پرسشهاست. اما این قانون در همین مدت بسیار کوتاه که از عمر آن می گذرد، خود باعث طرح سؤالهای بسیار در جمع زنان منتظر و متوقع شده است. سؤالها از درون و بیرون جامعه به فراوانی می جوشد و سرریز می شود. سؤالها چنین است:

- اجرت المثل یعنی چه؟

- یعنی مثل و مانند قیمتی که شخص استفاده کننده باید در مقابل استفاده از منافع، بپردازد.

- به کدامیک از کارهایی که من طی دوران زندگی زناشویی انجام داده ام اجرت المثل تعلق می گیرد؟ به آشپزی، خیاطی، شستشو و نظافت خانه، بچه داری و ...؟

- گویا منظور همه اموری است که شما در زندگی خانوادگی بدان پرداخته اید (غیر از تمکین به مفهوم خاص آن) البته در صورتی که قصد خدمت رایگان نداشته باشید.

- چطور ثابت کنم که من قصد نداشته ام این امور را به طور رایگان انجام دهم؟ من که در طول ۲۰ - ۳۰ سال زندگی مدرک جمع نکرده ام. حالا چه تکلیفی دارم؟
- برای این سؤال پاسخ مناسبی در اختیار نداریم.

- خوب... اصلاً بنا را بر این بگذارید که هیچ کس من را طلاق ندهد، خودم هم متقاضی طلاق نشوم. در اینصورت چه موقعیتی دارم؟ آیا حتماً باید طلاق واقع بشود تا بیایند و روی کارهای من قیمت بگذارند؟ این که نشد ارزیابی!

بدین نحو، سؤالهای پیاپی غالباً بی جواب باقی می ماند. برای آنکه موجباتی برای طرح سؤالهای مقدر فراهم کرده و جایگاهی برای کسب پاسخهای لازم ایجاد کنیم، بنابر ضرورت امر، ماده واحده و تبصره های آن را با توجه به موقعیتهای اجرایی که این تبصره ها در آن قرار می گیرند دوباره خوانی می کنیم. بینیم چه چیزی دستانمان را می گیرد.

به موجب ماده واحده: «از تاریخ تصویب این قانون زوجهایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند بایستی جهت



رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوی نمایند. چنانچه اختلاف فیما بین از طریق دادگاه و حکمین، از دو طرف که برگزیده دادگاهند (آن طور که قرآن کریم فرموده است) حل و فصل نگردید دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش، آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی طلاق حق ثبت طلاقهایی را که گواهی عدم امکان سازش برای آنها صادر نشده است، ندارند. در غیر این صورت از سر دفتر خطای، سلب صلاحیت به عمل خواهد آمد.»

بدین ترتیب از این پس زوجهایی هم که با یکدیگر در خصوص طلاق به توافق رسیده اند نمی توانند با مراجعه به دفترخانه به مقصود برسند. حتی از این پس، آن طور که الفظ ماده واحده دلالت بر آن دارد «گزارش اصلاحی» هم که در مواردی فیما بین زوجین حسب ارشاد قاضی در دادگاه تنظیم می شد و قوت قانونی آن از حکم دادگاه بیشتر بود و می توانست مبنای وقوع طلاق در دفترخانه قرار گیرد، کارساز نیست. زیرا تأکید بر ضرورت صدور «گواهی عدم امکان سازش» از دادگاه، ارائه هر نوع مدرک دیگری را به دفترخانه برای وقوع و ثبت طلاق در عمل متفی می سازد.

آنچه مسلم است پیش از تصویب این قانون، موارد بسیاری از تضييع حقوق زنان در جریان وقوع طلاقهای توافقی در دفترخانه ها مشاهده می شد که گاهی دستهای خطاکار و متخلف در آن نقش داشتند و می توانستند با خدعه و نیرنگ، هم زن را متقاعد به طلاق کنند، هم طوری صحنه را را بیارایند که زن از مختصر حقوق مالی خود صرف نظر کرده و دست خالی از دفترخانه بیرون برود. ماده واحده در جهت رفع این ظلم به چاره جویی پرداخته است. اما از طرفی اجرای مفاد آن، دادگاههای مدنی خاص را با تراکم کار مواجه می سازد. نظر به اینکه موضوع قابل پیش بینی است باید فوراً تدبیری اندیشید. زیرا چنانکه می دانیم قانون، صدور گواهی عدم امکان سازش را به انجام تشریفات چندگانه دادگاهی و مداخله حکمین موکول می سازد و در نتیجه وقت و حوصله و نیروی انسانی و امکانات اداری و قضایی زیادی صرف آن می شود.

اگر تراکم کار و مشکلات ناشی از کمبود کادر و غیره را دست کم بگیریم، اجرای مفاد ماده واحده مسئله ساز خواهد بود. لذا ضرورت دارد دادگاههای مدنی خاص توسعه یافته و شعب خاصی از این دادگاهها به رسیدگی در امور طلاقهای توافقی اختصاص یابد. در هر حال ممکن است با حذف نقش دفترخانه، زوجین در طول دادرسی، شدت خشم و شتابی را که برای جدایی دارند از دست بدهند و با یکدیگر آشتی کنند. چنانچه تن به آشتی نیاورند در محیط دادگاه حفظ حقوق مالی زن بیشتر میسر است.

در خصوص نحوه انتخاب حکمین که حسب مفاد ماده واحده به گونه ای پذیرفته شده که قرآن کریم فرموده است، یک توضیح ضروری به نظر می رسد. فقها و مفسران در مورد خطاب آیه شریفه ۳۵، «سوره نساء»، اختلاف نظر دارند. برخی مخاطب آیه را حاکم ندانسته اند و زن و شوهر را مخاطب می دانند، مانند مرحوم مفید و صدوق و جمعی دیگر حاکم را فقط مجری فرمان داور می دانند و حق انتخاب را بر عهده زن و شوهر نهاده اند. بنابراین الفظی از ماده واحده که حکمین را برگزیده دادگاه معرفی می کند وافی به مقصود نیست.

در تبصره یک ماده واحده، این نکته ملحوظ شده است که «نحوه دعوت از حکمین و بررسی صلاحیت آنان به عهده دادگاه مدنی خاص است» در این باره هم ابهام در کلمات، سد راه است. دادگاههای مدنی خاص چگونه می توانند صلاحیت هر یک از حکمین را که ضمن معرفی زوجین وارد نزاع می شوند، احراز کنند؟ چنانچه فقط احراز صلاحیت اخلاقی حکمین هم مورد نظر باشد، کار به اندازه ای سخت و دشوار است که دستیابی به آن غیرممکن خواهد بود. به خصوص که برای ایفای این تکلیف سنگین و خاص، هنوز صلاحیت مشخص نشده است. وعده داده شده که ظرف دو ماه از تصویب قانون، آیین نامه اجرایی آن به تصویب خواهد رسید. مفاد آیین نامه هر چه باشد از مسئولیت سنگین دادگاههای مدنی خاص برای احراز صلاحیت حکمین چیزی نمی کاهد و به هر حال درباره چگونگی اجرای این قبیل

خواسته ها، تأمل بیشتر لازم است. در حالی که الفاظ قانونی در جریان عمل و اجرا، بی رمق و خشی نشود.

آنچه به الفاظ قانونی، جان و رمق و تأثیر می بخشد ضمانتهای اجرایی است که پشتوانه اعتبار قوانین است. اگر مواد و تبصره های قانونی بدون توجه به فن قانون نویسی انشا شده باشد، دست و پاگیر است، نه چاره ساز.

در تبصره دو ماده واحده، بسیاری تکالیف به عهده حکمین گذاشته شده است. با توجه به حدود اختیاراتی که برای حکمین می شناسیم، این تکالیف خارج از قاعده بوده و غیرمتعارف است. حکمین در امور زوجین همواره می توانند اظهار نظر کنند، توجیه کنند، ارشاد کنند اما هیچ یک از انواع اختیاراتی که قوانین جاریه برای حکمین در امور زناشویی قائل شده اند، مصداق «حل و فصل» را ندارد. به تعبیر دیگر در قوانین جاریه، توسط حکمین، اختلافات فیما بین زوجین نه حل می شود، نه فصل. این دادگاه است که پس از دریافت دادخواست، قاطع دعاوی و از جمله دعاوی زناشویی است و مفهوم قانونی، عملی و اجرایی «حل و فصل» همان موارد و مندرجاتی است که دادنامه ها به آن توجه می دهند. رفع ابهام از تبصره راجع به حدود اختیارات حکمین ضروری به نظر می رسد.

در تبصره ۱ و ۲ ماده واحده، این نکته نیز روشن نشده است که هرگاه زن و مرد به داور برگزیده دادگاه رضایت ندهند تکلیف چیست؟ آیا دادگاه آنان را ملزم به قبول نظریه خود می نماید؟ چنانچه رضایت زن و مرد را شرط ندانیم به طور کلی منظور قرآن کریم از حکمیت تأمین نمی شود. بنابراین درجه تأثیر رضایت زن و مرد در برخورد با «داور برگزیده دادگاه» باید روشن و صریح بیان گردد و جای ابهام باقی نگذارد.

در تبصره دو ماده واحده، به مدرک جدیدی اشاره شده به نام «گواهی کتبی سلامت روانی زوجین»، که البته مرجع صدور این گواهی فعلاً نامعلوم است و چنانچه با صدور آیین نامه اجرایی موضوع به دقت روشن نشود، باب فساد دیگری گشوده خواهد شد که بر مسائل موجود می افزاید و این گواهی را تبدیل به کالایی می کند که قابل

● آیا امکان تقسیم که در مورد پرداخت مهریه متداول و قانونی است از زوج سلب شده است؟ چگونه؟

خرید است.

در تبصره سه، «اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر، موکول به تأدیبه حقوق شرعی و قانونی زوجه (مهریه، نفقه، جهیزیه و غیر آن) به صورت نقد می‌باشد.» پس از مطالعه این تبصره بلافاصله سؤالی متبادر به ذهن می‌شود: آیا امکان تقسیط که به خصوص در مورد پرداخت مهریه متداول و قانونی است از زوج سلب شده است؟ چگونه؟

چنانچه امکان تقسیط مهریه سلب نشده است آیا استفاده از کلمه «تأدیبه» صحیح است؟ موضوع روشن نیست و این گونه ابهام در قانون‌نویسی سودمند نیست. زیرا زنان یعنی صاحبان حق نمی‌توانند به درستی، حد و مرز حقوق خود را تشخیص دهند و چون ضمانت اجرا برای دریافت نقدی حقوق مالیشان وجود ندارد سرگردان می‌شوند.

در تبصره چهار ماده واحده، موضوع تازه‌ای عنوان شده که بسیار مهم و حساس است، در این تبصره متذکر شده «در طلاق رجعی، گواهی کتبی اسکان زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده الزامی است.»

این عبارت نیاز به توضیح دارد. در مواردی که طلاق حسب خواسته و اصرار مرد واقع می‌شود، ایجاد یک چنین فرصتی برای زنان مطلقه ممکن است سازنده و مفید باشد. زیرا زن می‌تواند با استفاده از آن در مدت عده با مرد زیر یک سقف زندگی کند و برای آشتی تقلایی بزند. اما در عمل با زنانی برخورد می‌کنیم که وجود یک چنین قید قانونی را به تنهایی نوعی خفت و خواری تلقی کرده و می‌گویند چگونه می‌شود با مردی زیر یک سقف قرار گرفت که تا سرحد بی‌بزاری پیش رفته و همسر خود را با اصرار طلاق داده است؟ در این باره واکنش جمعی از زنان، چندان تند و تیز است که توجه به آن ضروری است و چنانچه قانونگذار برای این‌گونه از زنان فرصت لازم قانونی ایجاد کند تا مجبور نباشند مدت عده را در طلاق رجعی با مرد طلاق دهنده زیر یک سقف بگذرانند، به صلاح نزدیکتر است. در غیر این صورت احتمال می‌رود بیشتر طلاقها به صورت طلاق خلع (اگر مبارات نباشد) واقع شده و طلاق رجعی، به فراموشی سپرده شود.

بخش دوم از همین تبصره، طرفین را متقید کرده است به اینکه «صورتجلسه تکمیلی طلاق با امضا زوجین و حکمین و عدلین و

سر دفتر معتبر است.» در این بخش هم اعتبار عدم رجوع زوجین به امضا و شهادت افرادی موکول شده است که علی‌القاعده نمی‌توانند در خصوص‌ترین رابطه زن و مرد صاحب اطلاع و آگاهی باشند. مگر آنکه امضای آنها ذیل صورتجلسه منحصراً دلالت بر اظهار و اقرار زوجین در حضور آنها دال بر عدم رجوع داشته باشد، که ضرورت تنظیم یک چنین صورتجلسه‌ای نامشخص است.

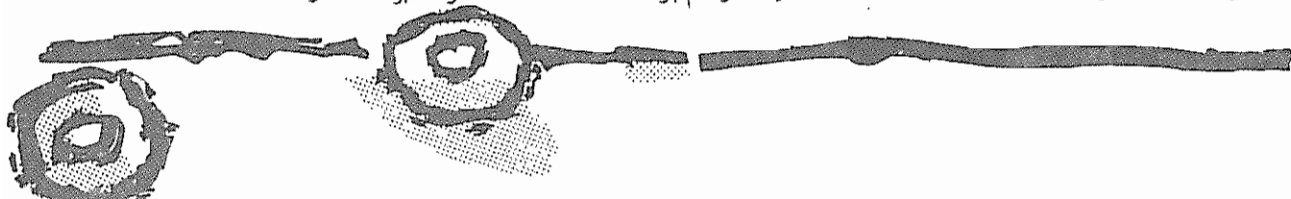
در تبصره پنج ماده واحده، حضور مشاوران زن در دادگاههای مدنی خاص، ممکن اعلام شده است. این تبصره در شکل قبلی که به حضور مشاوران زن، جنبه الزامی داده بود بیشتر سودمند و چاره‌ساز بود و بیش از آنچه اکنون پیش رو داریم می‌توانست موجبات خوش‌بینی و تأمین خاطر زنان را فراهم سازد. تبصره در وضع موجود کمرنگ و ضعیف شده است. گو اینکه حتی در همین حد هم فشارتی است و نقطه امید است که باید از آن، همچون یک فرصت مناسب نام برد. فرصتی که می‌تواند دیگر بار موضوع محرومیت زنان را از اشتغال به «قضات» مورد بحث قرار دهد. زیرا تبصره، شرط حضور مشاوران زن در دادگاههای مدنی خاص را چنین تذکر داده است: «دادگاه مدنی خالص در مواقع لزوم می‌تواند از بین بانوان واجد شرایط قانون شرایط انتخاب قضات مشاور زن داشته باشد»

و اما تبصره شش ماده واحده، که بسیار مورد بحث بوده و هست قابل تأمل است در این تبصره هر چند به موضوع کار زن خانه برای نخستین بار توجه شده است، اما کار زن در خانه فی حد ذاته مورد ارزیابی قرار نگرفته است. آیا زمان ارزیابی کار زن در خانه زمانی است که مرد می‌خواهد او را بدون دلیل و مدرک طلاق بدهد؟ تازه در این صورت هم «بعد از وقوع طلاق» زن می‌تواند اجرت‌المثل را مطالبه کند، مشروط بر آنکه ثابت کند خدمات خود را تبرعاً و رایگان در اختیار گذاشته است. چنانچه این دو شرط اثبات نشود، دادگاه از باب بخشش (نحله) مبلغی را تعیین کرده و حکم نسبت به آن صادر می‌کند. در تبصره، متأسفانه به این مهم توجه نشده است که زن در طول زندگی مشترک در واقع یک مؤسسه را اداره کرده است، یعنی در جهت تثبیت مبانی خانواده - که تکلیف او هم بوده است - مخلصانه و

عاشقانه عمل به تکلیف کرده و هرگز در این اندیشه نبوده که برای تکتک کارهایی که انجام می‌دهد، مدرک و قبض جمع‌آوری کند و دفتر و پرونده و بایگانی بسازد.

این‌گونه برخورد با کار زن در خانه، و محاسبه و ارزیابی قیمت آن برای رفع ظلم از زن و ترمیم و تعدیل وضع مالی او در خانواده، کافی نیست و حتی اگر مردان متقاضی طلاق در کوتاه مدت از ترس مطالبه اجرت‌المثل از سوی همسر مطلقه از اصرار برای طلاق صرف‌نظر کنند، در دراز مدت تاثیر و نقش بازدارنده تبصره از بین می‌رود و دادگاهها با ددرسرها و گرفتاریهای روزافزون خود را مواجه می‌بینند. دادگاهها در هر حال نمی‌توانند قوانین مبهم و فاقد ضمانتهای لازم اجرایی را (حتی اگر در کمال حسن نیت تدوین شده باشد) فقط با ابتکار عمل، به مرحله اجرا بگذارند. چنانچه اراده بر این است که تا حدودی دست دادگاه را برای کمک‌رسانی به زنان مضطر و گرفتار باز بگذارند، قیود و موانع و ابهام موجود در ماده واحده مانع و مزاحم کار است. پیشنهاد می‌شود ترتیبی دهند تا به موضوع ارزیابی کار زن در خانه پیش از وقوع طلاق و لااقل در همان دادگاهی که رسیدگی به تقاضای مرد طلاق‌دهنده را به عهده دارد بپردازند به نحوی که همزمان با تعیین تکلیف و صدور حکم عدم امکان سازش، مرد ملزم به پرداخت مبلغ معینی از بابت زحماتی که زن در خانه متحمل آن شده است بشود. تبصره شش ماده واحده، به طور غیرمنتظره‌ای موضوع مطالبه اجرت‌المثل را به بعد از طلاق موکول کرده است. ایجاد یک چنین فرصتهای مشروط و محدود برای تأمین حقوق مالی زنان مطلقه، توقع عمومی را برآورده نمی‌سازد.

اما فلسفه وجودی این‌گونه قوانین که تعدیل وضع مالی زن در خانواده است اجازه می‌دهد تا نیازهای جدی زنان مطرح شده و تصویب قوانین حمایتی با پشتوانه‌های کافی اجرایی به بحث گذاشته شود. آزمون جدید یک فرصت مناسب در اختیار می‌گذارد تا ضمن بررسی و مطالعه در اطراف حاصل کار و نتایج اجرایی آن، ارزش کار زن در خانه و اصلاح وضع موجود به نفع زنان مورد گفتگو قرار گیرد و در این جهت گامهای درست‌تر و سنجیده‌تری برداشته شود.



زنان



همه به سوی او می‌رویم

در واپسین لحظات انتشار مجله خبر پرواز شاعره معاصر «سیده کاشانی» را به ملکوت دریافت کردیم. شاعره‌ای که بحر قریحه لطیفش، سپیده‌مان را به یاد می‌آورد و عاطفه و وقار خاص او هر تازه‌آشنایی را شیفته‌اش می‌کرد. نام او که دلش به عشق زنده بود، در جریده عالم پایدار باد.

سرویس مجاز | **سرتاسر تهران ...!** | **شماره ۱۲**

بازدید مجانی با ۶ ماه ضمانت کتبی

سرویس مجاز لباسشویی و یخچال

آ.ا.ک • کن وود • فیلکو • زانوسی

ارج • هوور • آردل • سن سونی

۸۸۰۴۱۳۲ | **و غیره** | ۸۰۰۴۰۹۲

سالن آرایش و زیبایی

کلیه خدمات پوستی و زیبایی و آرایش بهداشت پوست و مو

رفع چین و چروک، جلوگیری از ریزش مو، رفع جوش و لک

برطرف کردن موهای صورت، آرایش عروس و همراهان زیر نظر متخصص

خیابان کریمخان خیابان میرزای شیرازی شماره ۳۴ تلفن ۸۸۹۳۰۹۲

تدریس خصوصی گیتار در منزل شما

تلفن: ۷۷۷۷۰۳
تاس عصرها

موسسه تندرستی نیکی

کلیه خدمات پوست، از بین بردن لک، پاکسازی موهای زائد صورت تحت نظر متخصص، چاقی و لاغری با مدرنترین دستگاهها و داروهای صددرصد گیاهی.

تلفن: ۶۳۸۵۸۴

□ **عروس ...**

دوست دارید زیباترین عروس باشید؟ جدیدترین مدل‌های لباس عروس با مناسبترین قیمت

مزون عروس ناصر حسرو - ۱۱۶. تلفن ۳۹۳۴۶۴

دهمین شماره

حاوی مصاحبه اختصاصی با

کارل پوپر

منتشر شد

در این شماره، همچنین مطالب زیر از
نظرتان خواهد گذشت:

اندیشه:

نقد تفکر سنتی در کلام اسلامی: محمد مجتهد شبستری

ایمان و حیرت: عبدالکریم سروش

جامعه‌شناسی تحول معرفت دینی: اکبر گنجی

دورریهای جامعه‌شناسی در دین: مقصود فراستخواه

علیه اجتماع: پرویز جمشیدیان

از چیزهای دیگر:

گردهمایی جهانی کتابها: سعید انواری

نخستین گام فرهنگی کشورهای آسیای میانه

تازه‌های کتاب

خبرهای فرهنگی و هنری ایران و جهان

به یاد حضرت آیت‌الله میرجهانی طباطبایی

ادبیات:

شعر

مطالعه تطبیقی مثنوی شریف و دیوان کبیر: حمزه‌علی فرهادیان

ایما و اشاره‌ها: ولادیمیر ناباکف، ترجمه مریم خوزان

بوسه یهودا: مهرداد حجتی

هنر:

زندگی، جنگ و سینما: سیامک افشار

«کیان» گامی نو در راه
پاسداری از کیان فرهنگی

□ برای همسران ایده‌آل باشید

قابل توجه خانمهای کارمند: آموزش شیرینی‌پزی و

سبزی آرایشی در روزهای پنجشنبه تلفن

۷۸۳۵۲۰۵ - ۲۲۲۳۴۸

■ آموزشگاه آرایش گیلدا

با امتیاز رسمی از وزارت کار و امور

اجتماعی هنرجوی می‌پذیرد. مدل

رایگان ۷۸۶۴۱۰۰

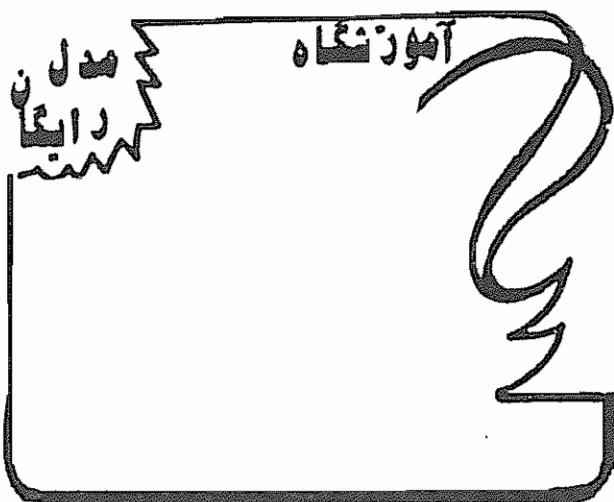
■ آموزش کوتاه کردن مو

تدریس خصوصی کلیه مدلها با

روش زاویه‌ای و مدل ساسون

توسط متخصص از خارج تلفن

۶۸۳۳۶۶



مجمع عمومی سرگودگان

انزولان بردان ای رشته های پریشانی نابد

علوم کامپیوتر - ارتوتیکس
فکس و حسابداری عمومی
نقشه کشی و نقشه برداری
رادیو تلویزیون سیار سفید
ماشین نویسی تایپ و وزبنا
مدرس سرگودگان دوره تمام سطوح

خشیاطی متدگرلاون
با فذگی و تلابزنی و کزونی
گل سازی پارچه ای غیره
گلدوزی بادست و چرخ
ابریشم دوزی تصویر
آموزش آرایش از متد تالی

از وزارت کار
میدان کریمخان بوش حافظ
۸۹۴۲۲۱-۸۹۴۲۲۰
۷۵۵۹۹۵-۷۵۲۹۴۵

تلفن ۲۲۲۸۶۶۱
میرداماد

عرضه مستقیم

کارخانجات چینی حمید مفتخر است انواع سرویسهای غذاخوری در طرحهای بسیار زیبا را به نوعرسان و خانوادهها تقدیم کند.

آدرس فروشگاه مرکزی چینی حمید تهران خیابان فردوسی مقابل نوفل لوشاتو (چرچیل سابق) تلفن ۶۴۵۲۰۱۸

فروشگاه از ۹ صبح الی ۹ شب یکسره باز است

کامپیوتر در ۱۸ جلسه

با استفاده از TRANCPARENCY, SLIDE, DATASHOW و کامپیوترهای پیشرفته مرکز آموزش علوم کامپیوتر آقای سربا کامپیوتر را فراگیرید

پایین تر از میدان هفت تیر خیابان مفتح روی روی فروشگاه بنیاد شهید کوی گوهر درخشان - پلاک ۲۹ تلفن: ۸۸۲۶۹۱۳

پاسخ دهید و جایزه بگیرید.

برای ما بنویسید که انسان افزار چیست؟

شرکت آقای
صندوق پستی: ۳۸۷ - ۱۵۷۴۵

جدید) خانه موی ایران (جدید

(ویونینگ راشل سابق) اولین مؤسسه ترمیم مو در ایران

خبری مسرت بخش برای تمام کسانی که موهای خود را از دست داده یا می دهند ما نتیجه آخرین تحقیقات و اکتشافات دانشمندان و متخصصین مو در امریکا را رایگان در اختیار شما قرار می دهیم که روش های فوق در اروپا هم عرضه نمی شود این متدها نتیجه تلاش پیگیر متخصصین مو در امریکا می باشد، در این روش بدون عمل جراحی از یکصد تار مو تا دهها هزار تار مو روی سر شما نصب می گردد با این متد کاملاً جدید و استثنایی شما احساس خواهید کرد که موهایتان از زیر پوست روئیده و هیچگونه تفاوتی با موهای طبیعی تان ندارد و با لمس کردن موهای جدید حتی فراموش می کنید که موهایتان ریخته است. با خیال راحت استحمام کرده و موهایتان را به فرم دلخواه شانه کنید. بعد از نصب مو چنانچه مورد پسندتان واقع گردید وجه آنرا بپردازید ضمناً فراموش نکنید متدهای فوق احتیاج به مراجعه بعدی ندارد.

تلفن: ۸۹۸۴۲۳

تهران خیابان ولی عصر جنب سینما آفریقا (آتلانتیک سابق)

